

بیانات در مراسم بیعت بسیجیان نمونه کشور / ۱۳۴۸/۰۲/۰۴

امروز هم عناد و دشمنی استکبار امریکا، سرمایه‌دارهای بزرگ جهانی، رژیم اشغالگر قدس و ارتجاع ادامه دارد و با آن مخالفت می‌کنند. انقلاب ما که به پیروزی رسید، نظام جمهوری اسلامی متولد شد. پس، دفاع از این نظام، اولین و مقدس‌ترین و واجب‌ترین فرایض ملت ایران است، و بسیجی کسی است که سینه‌اش را سپر می‌کند و با هر وسیله‌ای که در اختیارش باشد، دفاع از انقلاب را به عهده می‌گیرد؛ چون در حقیقت از اسلام و قرآن دفاع کرده است.

البته کسانی که در دنیا منتظرند با هر بهانه و یا بدون بهانه علیه جمهوری اسلامی حرف بزنند، از اینکه ما مردم را به آمادگی بیشتر تشویق می‌کنیم، استنباط غلط می‌کنند که جمهوری اسلامی جنگ‌طلب است و علاقه‌ی بی‌ صلح ندارد! خیر، این‌گونه نیست. ما به دنیا ثابت کرده‌ایم که جنگ‌طلب نیستیم و نشان داده‌ایم که به وجود صلح در همه‌ی منطقه - بلکه همه‌ی عالم - از صمیم دل علاقه‌مندیم.

ما معتقدیم که در صلح و آرامش می‌توان به سازندگی‌های درونی و بیرونی پرداخت. ما جنگ‌طلب نیستیم - از اول هم نبودیم - آن‌ها جنگ را بر ما تحمیل کردند. ما ملتی هستیم که از خودمان دفاع می‌کنیم؛ خوب هم دفاع می‌کنیم. ما مردمی نیستیم که عقب بنشینیم و به دشمن پشت کنیم؛ ما با خطر مواجه می‌شویم. در ده سال گذشته، این حقیقت را نشان داده‌ایم.

در حال حاضر، علی‌رغم اینکه رژیم عراق و دیگران، راجع به صلح زیاد حرف می‌زنند، ما این گفته‌ها را قبول می‌کنیم و از مذاکراتی که منتهی به یک صلح پایدار شود، استقبال می‌کنیم. این نکته را هم پوشیده نمی‌داریم که تا وقتی نیروهای دشمن در خاک ما هستند، اعتماد لازم را به طرف مقابل پیدا نخواهیم کرد. این، چه صلح‌طلبی‌ی است که آن‌ها ادعا می‌کنند؛ در حالی که هنوز اولین اقدام لازم را انجام ندادند؟! باید نیروهای خود را از خاک ما بیرون ببرند، بعد دم از صلح بزنند.

بیانات در مراسم ششمین دوره‌ی فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین(ع) / ۱۳۴۸/۰۸/۲۹

دفاع، جزئی از هویت یک ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند، زنده نیست. هر ملتی هم که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست. هر ملتی هم که اهمیت دفاع را درک نکند، به یک معنا زنده نیست. ما نمی‌توانیم چشم و قدرت تحلیل داشته باشیم، توطئه عمیق عنادآمیز استکبار علیه اسلام و انقلاب و نظام اسلامی را ببینیم، درعین‌حال به فکر دفاع نباشیم. خدا آن روز را نیاورد که این ملت و برگزیدگانش، از تهاجم عنودانه‌ی خیانت‌آمیز استکبار جهانی و در راس آن‌ها امریکا، دچار غفلت بشود.

انقلاب، به خاطر هویت و اسلامی بودن و تسلیم نشدنش در مقابل ظلم ظالمان مستکبر عالم، در این زمان مورد بغض و عناد مستکبران و قلدان عالم بوده و هست و خواهد بود. آنچه تمام نخواهد شد، بغض و عناد استکبار با ماست. ممکن است روزی احساس کنند فایده‌ی ندارد و حمله و تهاجم را متوقف کنند. ممکن است روزی قدرت نظام جمهوری اسلامی، خیلی‌ها را در سطح عالم به اظهار دوستی و همراهی وادار کند؛ اما ممکن نیست که هیچ‌وقت دشمنی سلسله‌جنبانان استکبار عالم و شیطان صفتان گمراه‌ساز راه بنی‌آدم نسبت به انقلاب از بین برود.

تا این دشمنی وجود دارد، تهدید هست. تا تهدید هست، فکر و آمادگی دفاع باید باشد. یکی از راه‌های تبلیغاتی موزیانه‌ی دشمنان ما، همین است که تا سخن از دفاع از انقلاب و نظام و کشور و ملت‌مان می‌زنیم، بوق‌های تبلیغاتی به کار می‌آیند که این‌ها جنگ‌طلبند! جنگ‌طلب شماست که دنیا را از جنگ میان انسانها پر کرده‌اید. جنگ‌طلب شماست که به خاطر منافع خود، ملت‌های را سال‌های اسیر آتش جنگ تحمیلی می‌کنید؛ همچنان که کرده‌اید.

ما جنگ‌طلب نیستیم، ما در فکر دفاعیم. ما زنده و هوشیاریم. ما از سرمایه‌ی عظیم و ارزنده‌ای که پیش ماست - یعنی انقلاب و اسلام و نظام‌مان - غفلت نخواهیم ورزید و از آن دفاع خواهیم کرد. این، جنگ‌طلبی نیست. این، رویه‌ی ماست. همه‌ی آحاد ملت - مخصوصاً نیروهای مسلح - باید بدانند که آمادگی و هوشیاری برای دفاع، تمام نشدنی است و در این مجموعه‌ی عظیم ملت و سربازان و مدافعان انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۱/۰۲/۱۲

هرکس اظهارات و اقدامات سردمداران رژیم امریکا را در باره‌ی اسلام و نهضت‌های اسلامی معاصر و کشورها و ملت‌هایی که دم از گرایش به اسلام می‌زنند و مدعی یا آرزومند تشکیل نظام اسلامیند تعقیب کند، از عمق کینه‌ی تمام‌نشدنی آنان به اسلام و نظام اسلامی اطلاع می‌یابد.

در حوادث جاری عالم هم، شواهد متعددی برای این مدعا می‌توان مشاهده کرد که از جمله‌ی تلخ‌ترین و غم‌انگیزترین آن‌ها، حوادث جاری در بوسنی هرزگوین و نیز جنگ‌های خانگی در قره‌باغ و منطقه‌ی قفقاز است. سرکوب خونین و قساوت‌آمیز مسلمانان در سارایوو که در قلب اروپای به اصطلاح متمدن جریان دارد، به قدری خشن و وحشیانه است که آدمی را به یاد قتل عام‌های معروف اروپا در قرون وسطی و در جنگ‌های مذهبی و نزادی این قاره‌ی جنگ‌طلب می‌اندازد؛ با این تفاوت که، امروز صرب‌های یوگسلاوی سابق، برای کشتار دسته‌جمعی مسلمانان، از ابزارهای جنگی مدرن استفاده می‌کنند؛ با این حال، این دولت‌ها که به بهانه‌ی حقوق بشر، در کار کشورهای دور دست هم دخالت و اعمال نظر می‌کنند، در برابر این فجایع دست روی گذاشته‌اند. امریکا و کشورهای اروپایی در همین منطقه و نسبت به جمهوری‌های دیگر همان کشور سابق، آنجا که پای مسلمانان در میان نبود، به طور قاطع از پیش آمدن چنین کشتارهایی جلوگیری کردند. در منطقه‌ی قفقاز هم، دولت‌هایی که می‌توانستند با اعمال فشارهای معمول، مانع از کشتار مسلمانان قره‌باغ شوند، نه تنها اقدامی جدی نکردند، بلکه تلاش میانجیگرانه‌ی جمهوری اسلامی را هم آماج توطئه و مخالفت خود ساختند و بی‌علاقگی خود را به سرنوشت ملت تازه استقلال‌یافته‌ی قفقاز، ثابت کردند.

ارتباطات فشرده‌ی امریکا و عواملش با دولت‌های تازه مستقل آسیای میانه، برای ترساندن آنان از گرایش‌های اسلامی و آنچه آنان نام «بنیادگرایی» بر آن می‌گذارند؛ موضع‌گیری‌های خصمانه‌ی آنان در برابر بیداری اسلامی در همه جا و به عنوان نمونه‌ی بارز با حرکت سیاسی پیروزمندانه‌ی مسلمانان، در الجزایر؛ رفتار حیل‌گرانه و غدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم‌انگیز و مظلومانه‌ی کنونی؛ دشمنی عنادآمیز آنان با زمامداران سودان که صرفاً عکس‌العمل گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه‌ی دیگر در سرتاسر جهان، مجموعاً شواهد انکارناپذیری بر خصومت علنی امریکا و دیگر سلطه‌گران، نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۱/۰۲/۱۴

متجاوز شناخته شدن رژیم جنگ‌طلب عراق در محافل جهانی، یکی دیگر از پادشاه‌های خدا بود. این، حقانیت انقلاب و ملت ایران را ثابت کرد. این، یک حادثه‌ی سیاسی کوچک نبود. این، نشان داد که تبلیغات و توطئه‌های جهانی و تلاش استکبار در این هشت سال، علیه این ملت، چقدر ظالمانه بود. در این هشت سال، استکبار می‌خواست به دنیا و ملت‌هایی که به ایران به چشم الگو نگاه می‌کردند، ثابت کند و نشان دهد که انقلاب و ملت ایران، از قاعده و قانون صحیح عقلانی

دورند. تجاوز می‌کنند؛ کشتار می‌کنند و جنگ به راه می‌اندازند!

همه این‌ها برای این بود که ملت ما را از چشم ملت‌های دیگر ببیند. این شهادت و گواهی جهانی، همه‌ی آن بافته‌های تبلیغاتی‌های استعمار و طراحان استکبار را خنثی کرد و نشان داد که ملت ایران در این هشت سال، حق داشته و از حق خود دفاع کرده است. ثابت کرد که این ملت، ملتی است که برای احقاق حق خود و سرکوب متجاوز، حتی حاضر است هشت سال، جنگی با این عظمت و با این اهمیت را ادامه دهد و از خود دفاع کند و سختیها را تحمل نماید. و این، عجیب تجربه‌ای برای دنیا نسبت به ملت ایران شد!

بیانات در بازدید از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان / ۱۳۷۱/۰۷/۱۸

شما عزیزان نیروهای مسلح، در صفوف مقدم بوده‌اید و سعی کنید همواره باشید. خودتان را بسازید و آماده نگه دارید. همچنان که در جنگ درخشیدید، این درخشش و این افتخار را، همیشه برای خودتان حفظ کنید. سطح آموزش‌ها و کیفیت آن‌ها باید بالاتر برود؛ اگرچه از گذشته بسیار بالاتر هست. همکاری و همدلی سازمان‌های نیروهای مسلح، یعنی ارتش و سپاه، روز به روز باید بیشتر شود. نیروهای مردمی که همیشه به صورت یک ذخیره تمام‌نشدنی برای نیروهای مسلح و دفاع از کشورند، باید سازماندهی‌شان بهتر و باکیفیت‌تر شود.

تجهیزات را نگهداری کنید و آن‌ها را بهتر و بیشتر بسازید. بر آنچه دارید، با نیرو و قدرت خلاقی خود بیفزایید. ملت ایران هر روز که می‌گذرد، نشانه‌های دشمنی و کین‌ورزی استکبار را مشاهده می‌کند. در همین روزهای اخیر، جنجال دروغین و مصنوعی در باره‌ی جزایر متعلق به ایران در خلیج فارس، یک نمونه‌ی دیگر از این دشمنی است. شما و ملت باید آماده باشید، تا دشمن طمع نرزد. ما هرگز جنگ‌طلب نبوده‌ایم؛ امروز هم نیستیم. اگر این همسایه‌ی ناخرد ما، جنگ را علیه ما شروع نمی‌کرد، ما سال‌های سال، با عراق هیچ جنگی نمی‌داشتیم. ما، در عین آنکه از جنگ بیزاریم و نمی‌خواهیم با کسی جنگ داشته باشیم، اما باید آماده‌ی دفاع باشیم و این آمادگی را همیشه حفظ کنیم. امروز البته به فضل شجاعتها و رشادتهای شما در میدان جنگ، دیگر کسی طمع در تجاوز به این آب و خاک نمی‌بیند. امروز همه فهمیده‌اند که ملت و نیروهای مسلح ایران، به گونه‌ای نیستند که بشود با آن‌ها شوخی کرد. با ملت ایران نمی‌شود شوخی کرد. همچنان که تجربه‌ی عراق نشان داد، تجاوز به این کشور و این آب و خاک، با ناکامی و بیچارگی متجاوز همراه خواهد بود. با این حال، آمادگی در مقابل هرگونه حادثه، وظیفه‌ی عمومی نیروهای مسلح است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش / ۱۳۷۲/۰۱/۲۰

من یک‌وقت عرض کردم که فرزند عزیز درگذشته‌ی امام بزرگوار، به فکر افتادن تا پیام حج امام بزرگوار را با پرداختن بهای زیادی، در مطبوعات یکی از کشورهای غربی چاپ کنند. اما آن‌ها حاضر نشدند چاپ کنند. آن‌ها با اینکه بنده‌ی پولند و پول برایشان دین و ایمان و ناموس و غیرت و همه چیز است، حاضر نشدند درج کنند. چون حواس دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان جمع بود که پیام امام، مثل بمب در آنجا منفجر می‌شد. آن‌ها با حرفهای ما مخالفند و از حرفهای ما می‌ترسند. ما که حرف داریم، طبیعی است دنبال آرامش و امنیت و صلح و صفا هستیم؛ معلوم است که جنگ‌طلب نیستیم. اما اینکه ما جنگ‌طلب نیستیم، معنایش این نیست که دشمن ما هم جنگ‌طلب نیست.

باید آماده باشید. آمادگی‌تان هم در این چند مورد باشد؛ اولاً هرچه می‌توانید سازماندهی‌ها را محکم‌تر و با کیفیت بهتر کنید. در استفاده و کاربری نیروی انسانی، اصل، سازماندهی است. مدیران به امر سازماندهی اهمیت بدهند؛ زیرا سازماندهی در نیروهای مسلح، با نظم و انضباط ویژه همراه است. دوم، ارتقای کیفیت نیروهای انسانی است.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

ملت ایران کاری کرده است که قدرتی مثل قدرت امروز آمریکا و دستگاه استکباری، درمانده است. آن کار این است که ملت و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی اعلان کرده‌اند که می‌خواهند مستقل باشند و در راه آرمان‌های بلند خود، بدون اجازه خواستن از هیچ قدرتی حرکت کنند و باقی بمانند. همین را این‌ها نمی‌خواهند. اینکه کشور، دولت و ملتی در دنیا هست که برای رای آمریکا، دخالت آمریکا و اراده‌ی قاهره‌ی این استبداد بین‌المللی، وزنی قائل نیست، همین برای استکبار بسیار مهم و سنگین و از آن طرف، بسیار لاعلاج است. در برابر این، کاری نمی‌توانند بکنند؛ چه‌کار می‌توانند بکنند؟ اگر ما با کسی اعلان جنگ کرده بودیم، می‌گفتند شما جنگ‌طلبید. اگر ما به ملتی ظلم کرده بودیم، می‌گفتند شما ظالمید. این‌ها را که نمی‌توانند بگویند. ملت ایران با هدفهایی که برای خود تعریف کرده و آن‌ها را آسان هم به‌دست نیاورده است، می‌خواهد بدون اینکه قدرتی دخالت کند، بدون اینکه از کسی اجازه بگیرد، در راه شرف و منافع و آرمان‌های خود، با مجاهدتی طولانی حرکت کند. دستگاه استکبار نمی‌تواند این را ببیند و تحمل کند. مبارزه با استکبار که امروز هم مظهر استکبار، دولت و رژیم امریکاست جزو ذات این انقلاب و جزو کارها و خواسته‌های اصلی و اساسی این ملت است. اگر این ملت مبارزه با استکبار را رها کند، معنایش این است که به دخالت بیگانه، به دلت‌پیزی و به وضعیت بسیار تهدیدآمیز قبل از انقلاب تن دهد! همه‌ی آحاد ملت، این احساس و این درک را از مساله‌ی مبارزه با استکبار دارند. البته کسانی هم در همان اول انقلاب و پیش از انقلاب بودند که اصلاً دل در گرو بیگانه داشتند. همان روزی که امام کاپیتولاسیون را در منبر عمومی و در ملا عام تخطئه و رد کردند، کسانی بودند که می‌گفتند نه، چه اشکالی دارد؟! این‌ها نه هویت ملی سرشان می‌شود، نه غیرت ملی سرشان می‌شود، نه عزت ملی می‌فهمند یعنی چه، نه می‌دانند که استقلال یک ملت برای پیشرفت او چقدر اثر دارد؛ اصلاً حاضر نیستند فکر کنند! مردمان حقیر و پست و زبونی بودند؛ آن روز هم بودند؛ تو همه‌ی قشرها هم بودند. البته افراد کمی بودند. زیاد نبودند؛ اما بودند. در میان روشن‌فکران بودند، در میان قلم‌زنها بودند، در میان ملی‌سین به این لباس روحانی‌نماها بودند؛ در میان قشرهای مختلف بودند. توده‌ی ملت، آگاهان ملت، افراد باایمان، بخصوص دل‌های روشن و مغزهای دارای تحلیل، همه موضع امام را تقویت می‌کردند. آن روز هنوز کشتار دانش‌آموزان در میان نبود؛ می‌فهمیدند که این موضع درست است؛ بسیاری هم وارد میدان می‌شدند. وقتی که مبارزات با آن وسعت شروع شد و جنگ و دندان‌خونین عوامل آمریکا در ایران آشکار گردید، عده‌ی بیشتری فهمیدند. وقتی انقلاب پیروز شد، دل‌های ناباورتری به راه آمدند و ایمان پیدا کردند؛ اما در عین حال در همان روز هم من یادم است که در شورای انقلاب، بعضی از افراد هیئت دولت آن روز که در شورای انقلاب شرکت می‌جستند، کار دانشجویان را تخطئه می‌کردند و می‌گفتند چرا به سفارت آمریکا رفتند؟! این‌ها دلشان آن طرف بود.

بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

سیاستمداران آمریکا و روشن‌فکران وابسته، امروز در عمل و زبان خود، برخلاف همه‌ی ادعاهای صلح‌طلبی گذشته‌شان، جنگ را به صورت یک امر مقدس جلوه می‌دهند؛ اصول و ارزش‌های آمریکایی را یک امر مطلق و مقدس جلوه می‌دهند. درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که در طول سال‌های متممادی، تبلیغاتی‌های این‌ها تبلیغ می‌کردند و می‌گفتند ما به تکرنگ‌رایی و احترام به عقاید انسانها قائل هستیم؛ دائم ادعا می‌کردند ما طرفدار صلحیم؛ ورود ما به فلان‌جا به خاطر صلح است؛ اقدام ما در فلان‌جا به خاطر صلح است. امروز در اظهارات خود به اینجا کشانده شده‌اند که مجبورند جنگ را تقدیس کنند و آن را یک امر مقدس جلوه دهند. این خطای بزرگ و فراموش‌نشدنی آن‌هاست که همه‌ی ادعاهای گذشته‌شان را در چشم افکار عمومی دنیا بتدریج باطل می‌کند. نمی‌فهمند هوای نفس، برداشتن چه گام‌های خطایی را بر آن‌ها تحمیل کرده است. این گام‌های خطا را یکی پس از دیگری برداشته‌اند و باز هم برمی‌دارند. در دنیا چهره‌ی نظامی و جنگ‌طلب و خشنی از خود نشان می‌دهند که برای فضاوت افکار عمومی امروز و فردای دنیا به شدت محکوم‌کننده است. چاره‌ای هم ندارند.

ادعا می‌کنند ما طرفدار دموکراسی و حکومت متکی به آرا مردم هستیم؛ در عین حال از حکومت‌های متعددی که با کودتا روی کار آمده‌اند، یا از حکومت‌های استبدادی که در تشکیل آن‌ها حتی یک رای مردمی دخالت نداشته است، حمایت می‌کنند. این رسوا شدن در مقابل افکار عمومی است. بدون اینکه بدانند و

بفهمند چه کار می‌کنند، این خطاها یکی پس از دیگری آنها را وارد مراحل خطای جدیدتری کرده و می‌کند. این‌ها مقدمه‌ی سقوط است. با وقاحت و بدون اینکه بدانند چه می‌گویند، به یک ملت بزرگ و با فرهنگ و شجاع، ملتی که کفایت خود را در طول سالهای متمادی در میدانهای متعدد نشان داده است، خطاب می‌کنند و می‌گویند شما باید وابسته و ضعیف باشید تا ما با شما دشمنی و شما را تهدید نکنیم! ملت ایران اگر مقتدر و مستقل و متحد و یکپارچه باشد، مورد رضایت و خوشایند آنها نیست. رضایت آنها در این است که ملت ایران اولاً در درون خود اختلاف پیدا کند، یکپارچگی از بین برود و افراد به جان هم بیفتند؛ یک عده، عده‌ی دیگر را به دلیلی؛ و آن عده، عده‌ی اول را به دلیل دیگری، نامشروع بدانند؛ ثانیاً کشور به آمریکا وابسته شود؛ مثل برخی از کشورهای دیگر در منطقه، که ملتهای بیچاره‌شان بر اثر سو سیاست حاکمان، به آمریکا وابسته‌اند؛ ثالثاً ملت ایران از لحاظ نظامی و سیاسی ضعیف باشد و قدرت دفاع از خود و مرزهایش را نداشته باشد. اگر این طور شد، آنگاه رئیس‌جمهور آمریکا از مردم ایران راضی است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۸۱/۰۶/۲۳

آنچه انقلاب به عنوان معرفت سیاسی در دنیا مطرح کرد، در شرایطی بود که همه‌ی این حرفها در دنیا وجود داشت و پیام انقلاب در دنیا زلزله ایجاد کرد. آنچه آنها را وادار کرده است علیه این انقلاب موضع بگیرند، آن زلزله است. همه‌ی ملتها و روشن‌فکران، در آن مفاهیم پوشالی تشکیک کردند. امروز هم همه‌ی حرفهایی که به اصطلاح روشن‌فکران غربی وابسته به دستگاه وزارت خارجه و سیا و دستگاه‌های گوناگون آمریکا بر زبان جاری می‌کنند یا در مطبوعات که نام آزاد دارند و به هیچ‌وجه آزاد به آن معنا نیستند، می‌نویسند و منتشر می‌کنند، در نظر نسل جوان و روشن‌فکران و تیزبینان سراسر دنیا- چه در دنیای اسلام، چه حتی بیرون دنیای اسلام- کاملاً زیر سوال رفته و مورد تردید قرار گرفته و بسیاری از آنها به طور قاطع رد شده است. البته سیاستمداران به رو نمی‌آورند و همین حرفها را از موضع سیاسی و با روش قدرت‌مدارانه تکرار می‌کنند؛ اما اسلام و انقلاب اسلامی کار خود را کرد. انقلاب اسلامی در معرفت سیاسی‌ای که ارائه داد، با استبداد مخالفت کرد. استبداد به رای، با هر نامی و از سوی هرکس، از نظر اسلام ممنوع است. انقلاب اسلامی با استکبار و دست‌اندازی و دخالت و تجاوز به ملتهای مظلوم و جنگ‌طلبی‌های خشن و قهرآمیز و قبضه کردن منافع ملتها زیر نامهای خوش‌ظاهر هم مخالفت کرد. این‌ها مفاهیمی است که از دل اسلام جوشید؛ به عنوان مکتب سیاسی نظام اسلامی و جمهوری اسلامی در دنیا تابلو و عرضه شد و همه در مقابل آن سر تعظیم فرود آوردند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

از وقتی جنگ سالاران و نومحافظه‌کاران کنونی حکومت آمریکا - که واقعا اینها یک گروه جنگ‌سالارند و محور کارشان بر جنگ و تهاجم نظامی است - سر کار آمده‌اند، تهدیدها لحن و زبان دیگری گرفته است. ما در مقابل این چالش چه باید بکنیم؟ ما باید قدرت خود را زیاد کنیم و دفاع قانونی و مشروع خود را انجام دهیم. منطق این را حکم می‌کند و همه‌ی شواهد و قرائن و دلایل سیاسی و دیپلماسی هم همین را تایید می‌نمایند. البته استحکام داخلی به معنایی نیست که آنها خیال می‌کنند - یعنی رسیدن به فلان سلاح - و همان‌طور که آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند، سلاح هسته‌ای کاری از پیش نمی‌برد. بعلاوه، ما اصلاً، منطقاً و مبنائاً با سلاحهای کشتار جمعی به این شکل موافق نیستیم. در زمان جنگ هم ما سلاحهای میکربی و شیمیایی را ممنوع دانستیم؛ همان وقت هم دولت ما این را اعلام کرد. پس استحکام داخلی به معنای دیگری است که بعد اشاره‌ای خواهم کرد. بنابراین ما باید قدرت خود را زیاد کنیم، والا هر گونه عقب‌نشینی در مقابل قدرت متکبر و زورگو، بکطرفه و تشویق به تعرض و تجاوز بیشتر خواهد بود؛ این را ما در طول چند سال در صحنه‌های گوناگون تجربه هم کرده‌ایم. هر جا عقب‌نشینی‌ای مشاهده کرده‌اند، یک قدم جلو آمده‌اند؛ ممنون نشده‌اند که بگویند بالاخره اینها یک امتیاز دادند، ما هم یک امتیاز بدهیم. در مقابله و مواجهه‌ی قدرت، این حرفها معنا ندارد. قدرتهای مادی، این مطالب سرشان نمی‌شود. وقتی دیدند طرف یک قدم عقب رفت یا مرعوب شد، احساس می‌کنند پس باید فشار را بیشتر کرد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

امروز چهره‌ی زشت زورگویی آمریکا برای دنیا آشکار شده است؛ این هم به ما کمک می‌کند. امروز دیگر حقوق بشر و دموکراسی و این حرفها و شعارها در دنیا رنگ باخته است. با کاری که اینها در عراق و افغانستان کردند و با نیت شومی که ابراز داشتند، چهره‌ی واقعی خود را نشان دادند. در ملاقاتی که هفته‌ی پیش نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با رئیس‌جمهور آمریکا داشت، آن‌طور که در خبرها آمده بود، رئیس‌جمهور آمریکا نقشه‌ی اسرائیل بزرگ - از نیل تا فرات - را به نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هدیه داد! معنای این کار چیست؟ کشورهای اسلامی چطور می‌توانند به حرفهای اینها حسن‌ظن داشته باشند؟ چطور می‌توانند به آمریکا به چشم یک حکم در قضیه‌ی فلسطین نگاه کنند؟ شعار «از نیل تا فرات»، شعار تجاوزگرانه‌ی زورگویانه‌ی غاصبانه‌ی ناحق و باطلی است که خود صهیونیستها این اواخر آن را انکار می‌کردند و می‌گفتند این حرفها دروغ است؛ اما الان جنگ‌طلبها و جنگ‌سالارهای آمریکایی به این شعار تظاهر می‌کنند! چهره‌ی اینها در دنیای اسلام آشکار شده است. گیرم در فلان کشور اسلامی یا عربی سرانشان جرات نکنند حرف بزنند؛ ملتها که می‌فهمند و می‌شنوند. آن‌که در مقابل آنها خواهد ایستاد، ملتهایند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

بینید در دنیا دولتهایی که گاهی اعتراضهایی هم به جمهوری اسلامی می‌کنند، قانون اساسی دویست سیصدساله‌ی خود را محکم نگه داشته‌اند. ارزشهای کهنه‌ی دویست سیصدساله، بلکه بیشتر را محکم و دودستی نگه می‌دارند و نمی‌گذارند به آن خدشه وارد شود. شما دیدید در نامه‌ای که سال گذشته عده‌ای از به‌اصطلاح روشن‌فکران آمریکا برای توجیه جنگ‌طلبی رئیس‌جمهور آمریکا و دارودسته‌اش صادر کردند، روی ارزشهای آمریکایی تکیه کردند. این ارزشها، ارزشهای «جورج واشنگتن» است که دویست سال از عمر آن می‌گذرد. ارزشهای آمریکایی برای آنها اصل شد، که بر اساس آن ارزشها حتی جنگ‌طلبی و استعمال بمب اتم نیز مطرح گردید. همان روزها «بوش» تهدید کرد که من چند کشور را با بمب اتم می‌زنم! این کار توجیه می‌گردد و جایز شمرده می‌شود. روی ارزشهای خودشان این‌طور تکیه می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به ما و قانون اساسی و ارزشهای ما می‌رسد، ما می‌شویم اصولگرا به معنای متجراً! اصولگرایی آمریکایی می‌شود مثبت؛ اما اصولگرایی اسلامی منکی به منطق و عقل و استدلال و تجربه و شوق آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی یک ملت می‌شود یک چیز محکوم، می‌شود فحش؛ اصولگراها! البته مدتی است تعبیر «اصولگراها» را عوض کرده‌اند و می‌گویند «محافظه‌کارها»؛ غافل از اینکه در کشور ما جناحهای مختلف همه‌شان اصولگرایند. البته ممکن است تعدادی تندرو در هر گوشه‌ای وجود داشته باشند، اما جل عناصر کشور ما که در دستگاهها هستند، اصولگرایند و همه‌شان به این اصل معتقدند. این اصول باید در این چشم‌اندازها کاملاً دیده و رعایت شود. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم و باید این بنا را بر اساس این اصول حفظ کنیم و پیش برویم.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۲/۰۱/۰۱

ما مثل دولتمردان آمریکا جنگ‌طلب نیستیم- آنها جنگ‌طلبند و دنبال جنگند- اما آنجایی که پای عزت این ملت و منافع این کشور به میان بیاید، ما اهل فداکاری هستیم. ما فداکاری را مخصوص آحاد ملت نمی‌دانیم. بعد از قضیه‌ی یازده سپتامبر که به دو برج نیویورک حمله شد، تا دو سه روز از رئیس‌جمهور آمریکا و معاونش و دولتمردان درجه‌ی یک خبری نبود؛ گم و گور بودند! ما این‌گونه نیستیم. اگر خدای نخواست به برای این ملت تجربه‌ی تلخ و امتحانی پیش بیاید، خود ما پیشاپیش ملت لباس رزم می‌پوشیم و آماده‌ی فداکاری می‌شویم.

مهمترین سلاح ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدها، همبستگی ملی و همدلی است. ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدهای دشمن احتیاج به بمب اتمی و سلاح هسته‌یی ندارد. همدلی و همبستگی شما مردم و چنگ زدن شما به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهمترین سلاح ملت ایران است؛ این سلاحی است که

در طول بیست و شش سال بعد از پیروزی انقلاب تا امروز کارایی خود را نشان داده و بعد از این هم نشان خواهد داد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۲/۰۷/۲۹

دولتمردان آمریکا که ادعا می‌کنند ایران دنبال سلاح اتمی است، خودشان هم می‌دانند که دروغ می‌گویند، آن کسانی هم که حرف این‌ها را در نطق‌ها و محافل می‌شنوند و برایشان کف می‌زنند، آن‌ها هم می‌دانند که این‌ها دروغ می‌گویند؛ کما اینکه آنجایی که دم از حقوق بشر می‌زنند، همین‌طور است. وقتی رئیس‌جمهور آمریکا در باره قضایای عراق و غیره، دم از دموکراسی و حقوق بشر می‌زند، هم خودشان می‌دانند که دروغ می‌گویند- چیزی که به فکرش نیستند، حقوق بشر و دموکراسی است- هم آن مخاطبانی که این حرف‌ها را می‌شنوند و برایشان کف می‌زنند. اهداف آن‌ها برای خودشان روشن است؛ هدف آن‌ها سلطه‌گری است. حقوق بشر برایشان کمترین اهمیتی ندارد. شما در همین طوفان کاترینا در آمریکا، دیدید که چون مردم، سپاه‌پوست بودند، همان مقداری هم که دولت آمریکا می‌توانست، به این‌ها کمک نشد؛ این، حرفی است که خود ملت آمریکا- سپاه‌پوست‌ها که به جای خود- بر زبان آوردند و گفتند و فریاد کشیدند. رفتارشان با زندانی، رفتارشان با زندانی بخصوص گوانتانامو، رفتارشان در ابو غریب عراق، رفتارشان با مردم عراق، رفتارشان با زن و بچه‌هایی که در خانه‌هاشان هستند، همه، نشان‌دهنده این است که مساله‌ی حقوق بشر از نظر آمریکایی‌ها افسانه است؛ می‌دانند که دروغ می‌گویند. مساله‌ی آن‌ها دو چیز است: یکی، این است که بحران‌آفرینی در دنیا برای دولت‌های آمریکا غالباً يك مطلوب لازم، يك کار تاکتیکی لازم بوده است؛ به آن احتیاج داشته‌اند برای اینکه از مسائل داخلی، از مشکلات داخلی آمریکا، مردم را متوجه به خارج کنند؛ همیشه این‌جور بوده است و حالا هم این دولت که در آمریکا بر سر کار است، يك دولت افراطی و جنگ‌طلب است و مصلحت‌شان ایجاب می‌کند که این طرف و آن طرف دنیا مسئله درست کنند، مسایلی را بزرگ کنند، یا بحران بیافرینند، یا حوادث کوچک را به شکل بحران برای ملت خودشان معرفی کنند.

دیگر اینکه دولت‌های آمریکا و از همه بیشتر این دولت جنگ‌طلب تندروی افراطی، دنبال يك امپراطوری‌اند؛ دنبال يك سلطه‌ی جهانی‌اند. این سلطه، مخصوص خاورمیانه هم نیست. البته حالا خاورمیانه مطرح است؛ اما این‌ها به خاورمیانه هم قانع نیستند. شرکای اروپایی‌شان هم این را خوب می‌دانند که آمریکا آن روزی که به خاورمیانه و به آسیای میانه و به مناطق حساس دنیا تسلط پیدا کند، دست از سر اروپا هم حتی برنخواهندداشت؛ این، چیزی نیست که برای آن‌ها پوشیده و پنهان باشد. آن‌ها دنبال منافعتشان هستند. یکی از مهم‌ترین مناطق، عبارت است از همین خاورمیانه؛ منطقه‌ای حساس، پل شرق و غرب، منطقه نفت، منطقه گذرگاه‌ها و گلوگاه‌های دریایی بسیار حساس، با ملت‌هایی که سابقه‌های فرهنگی دارند و ذخایر فراوان؛ این‌ها همه در این منطقه جمع است. حکومت آمریکا به این‌طور چیزها برای سلطه‌ی خود در دنیا احتیاج دارد. در این منطقه، آن دولتی که صریحاً با سلطه‌طلبی مخالفت می‌کند و به‌طور جد ایستاده است، دولت جمهوری اسلامی است. طبیعی است که این مسائل وجود پیدا می‌کند و بنابراین، معارض، دولت آمریکا است.

بیانات در دیدار مردم دامغان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۹

آن روزی که عریه‌های تهدیدآمیز قدرتهای معارض و استکباری از اطراف به سمت این ملت سرازیر می‌شد، تهدید می‌کردند و حتی بعضی از عناصر دولتهای دوست با عنوان خبر ویژه- ده سال قبل، هشت سال قبل، پنج سال قبل- به ما خبر می‌دادند که ما خبر داریم بناست به شما در فلان روز یا فلان ماه حمله کنند؛ قصدشان تهدید و ارعاب و عقب‌نشاندن دولت جمهوری اسلامی از مواضع خود بود. آن روز شاید خیلی‌ها بودند که باور نمی‌کردند استکبار جهانی و در راس آن آمریکا، در همه‌ی سیاست‌های معارض خود در مقابل ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران، این‌جور شکست بخورد؛ در عراق سیاستش شکست بخورد؛ در فلسطین سیاستش شکست بخورد؛ در لبنان سیاستش به شکل مفتضحانه شکست بخورد؛ در افغانستان ناکام بماند و تهدیدهای او، تهدیدهای پوچ در سطح بین‌المللی قلمداد بشود. اما این کار شد. آنچه علیه ملت ایران توطئه کردند، علیه خودشان تمام شد. همین دولت کنونی آمریکا که هر وقت هرکدام از سران این دولت- چه آن وزیر دفاعش، چه وزیر خارجه‌اش، چه خود بوش- حرفی علیه ملت ایران زدند، يك جمله‌ی تلخ تهدیدآمیز بر زبان آوردند که شاید ملت را بترسانند؛ اما هرچه گفتند، به‌عکس شد. بوش در قضیه‌ی انتخابات ریاست جمهوری، به ملت ایران پیغام داد که در انتخابات شرکت نکنید؛ اما مردم لج کردند و از همیشه‌ی دوران بیست و پنج، شش‌ساله، در انتخابات بیشتر شرکت کردند. در همین قضیه‌ی مسائل عراق و سیاست‌های شکست‌خورده‌ی آمریکا در عراق، در این انتخابات اخیر آمریکا، معلوم شد که این سیاست‌ها در خود واکنش هم شکست خورده است؛ این سیاست‌های جنگ‌طلبانه در بین خود مردم آمریکا و سیاستمداران آمریکا هم شکست خورده است. این که در انتخابات کنگره، حزب وابسته‌ی به رئیس‌جمهور کنونی شکست خورد، این فقط به معنای يك حادثه‌ی داخلی آمریکا نیست؛ بلکه به معنای شکست سیاست‌های جنگ‌طلبانه و پرخاش‌جویانه‌ی رئیس‌جمهور کنونی آمریکا است. این سیاست‌ها در سطح دنیا شکست خورده است. از نظر آمریکاییها، طرف اصلی این سیاست‌ها ملت ایران بود؛ و معنایش این است که ملت ایران در این مرحله‌ی سیاسی به صورت بارز و در سطح بین‌المللی پیروز شده است. امروز خود بوش هم فهمیده که دیگر شکست خورده است؛ ظاهراً آخرین فرد از سیاستمداران آمریکا که فهمید شکست خورده، خود بوش است؛ او هم امروز اعتراف می‌کند که در سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی خود شکست خورده است.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت‌های مسلمان و ملت‌های منطقه- ملت‌های آسیا، ملت‌های آفریقا، ملت‌های آمریکای لاتین، ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه- يك ملت شجاع، مدافع حق و عدالت، و ایستاده‌ی در مقابل زورگویی‌هاست؛ ملت ایران را این‌طور شناخته‌اند. آن‌ها ملت ایران را تحسین و ستایش می‌کنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که این‌قدر مورد ستایش ملت‌هاست، از نظر قدرتهای زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی است، متهم به حمایت از تروریسم است؛ این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت‌ها و خواسته‌ی قدرتها. این تناقض، تهدیدکننده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی است. روز به روز این‌ها دارند از ملتها دور می‌شوند؛ این يك رخنه‌ی فرسایشی را در بنای لیبرال دموکراسی غرب به وجود آورده است و روز به روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی می‌تواند حقایق را پنهان کند؛ همیشه که نمی‌توانند حقایق را پنهان کنند؛ ملتها روز به روز بیدارتر می‌شوند. شما نگاه کنید؛ رئیس‌جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای آفریقا، به کشورهای آمریکای جنوبی مسافرت می‌کند، ملتها برای او شعار می‌دهند، به نفع او تظاهرات می‌کنند، اظهار حمایت می‌کنند؛ رئیس‌جمهور آمریکا هم به کشورهای آمریکای جنوبی- یعنی حیاط خلوت آمریکا- مسافرت می‌کند، ملتها پرچم آمریکا را به مناسبت آمدن او آتش می‌زنند؛ این معنایش تزلزل پایه‌های لیبرال دموکراسی‌ای است که امروز غرب و جلوتر از همه آمریکا، مدعی پرچمداری آن هستند. تناقض در خواست آن‌ها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روز به روز بیشتر می‌شود. دم از دموکراسی می‌زنند، دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از امنیت جهانی می‌زنند، دم از مبارزه‌ی با تروریسم می‌زنند، اما باطن شریر آن‌ها حکایت از جنگ‌طلبی آن‌ها می‌کند؛ حکایت از پامال کردن حقوق ملتها می‌کند؛ حکایت از میل وافر و اشتهاهای سیری‌ناپذیر آن‌ها بر منابع انرژی جهانی می‌کند؛ این را ملتها می‌بینند. روز به روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی آمریکا- که پیش‌قراول لیبرال دموکراسی است- در دنیا در نظر ملتها دارد کم و کمتر می‌شود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر می‌شود. ملتها می‌فهمند که آمریکایی‌ها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ می‌گویند؛ يك نمونه‌ی آن، رفتار آن‌ها با کشور خود ماست. ایران در زمان طاغوت- زمان رژیم پهلوی- یکسره در مشت آمریکایی‌ها بود؛ آمریکایی‌ها بر سراسر ایران مسلط بودند؛ پایگاه نظامی در ایران به وجود می‌آوردند، برای تسلط بر تحریک کشورهای عرب منطقه؛ می‌خواستند این‌ها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران همپیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتورهای این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه می‌کردند؛ در سرتاسر کشور- در همین شهر مشهد، در تهران و در همه‌ی شهرهای کشور- اختناق و شدت عمل ماموران جلاد رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت ما را تاراج می‌کردند؛ اموال عمومی و ثروتهای ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج می‌دادند؛ ملت ایران را از حضور در مسابقه‌ی علمی و صنعتی دنیا مانع می‌شدند؛ ملت را تحقیر می‌کردند. آن ایران، متحد درجه‌ی يك آمریکا در این منطقه بود؛ زمامدارانش هم محبوب آمریکا بودند؛ هیچ اعتراضی هم به نقض حقوق بشر و نقض دموکراسی بر

آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران يك کشور آزاد است؛ با این مردم‌سالاری واضح- که مردم‌سالاری ما در دنیا بسیار کم‌نظیر است- با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر آمریکایی‌ها، از نظر دولت آمریکا و سیاستمداران آمریکا يك کشور نامطلوب به حساب می‌آید؛ این نشان‌دهنده‌ی جهت‌گیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته آمریکایی‌ها از این دشمنی سودی نبرده‌اند و بازهم نخواهند برد. ملت ایران روز به روز قوی‌تر می‌شود و ارزشهای انقلاب روز به روز برجسته‌تر و تازه‌تر می‌شود.

ما در مقابل این دو دشمن وظائفی داریم. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه‌ی او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملت ایران نقشه دارند. ما سیاستهای پنج‌ساله‌ی خودمان را تعریف می‌کنیم؛ افق چشم‌انداز بیست‌ساله را تعریف می‌کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشخص کنیم. دشمن ما هم همین‌طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

من برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می‌کنم: اول، جنگ روانی؛ دوم، جنگ اقتصادی؛ و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. دشمنی‌های استکبار با ملت ما در این سه قلم عمده خلاصه می‌شود. البته این‌ها را باید دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها و شخصیت‌های سیاسی بیشتر برای مردم توضیح بدهند. من اجمالا سرفصل و خلاصه‌ای از مطالب را به شما عرض می‌کنم.

جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کی را می‌خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی‌شود؛ توده‌ی عظیم مردم که مرعوب نمی‌شوند. چه کسی را می‌خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیت‌های سیاسی را، به قول معروف خود ما نخبگان را؛ این‌ها را می‌خواهند مرعوب کنند. کسانی که قابل تضمینند، آن‌ها را می‌خواهند تضمین کنند؛ اراده‌ی عمومی را می‌خواهند تضعیف کنند؛ درک مردم از واقعیت‌های جامعه‌ی خودشان را می‌خواهند تغییر دهند؛ هدف جنگ روانی این است. يك نفر که بیمار نیست، صد بار به او بگویند آقا! شما کسالت دارید، شما مریضید، يك مقدار احساس بیماری می‌کند. بعکس، اگر کسی دچار بیماری هم باشد، صد بار به او بگویند شما حالتان خوب است، احساس صحت می‌کند. با تلقین می‌خواهند واقعیت‌های کشور ما را در نظر ملت ما دگرگون کنند. ملت ما ملتی است با استعداد، دارای قابلیت، دارای ظرفیت، دارای ثروت‌های عظیم طبیعی؛ چنین ملتی می‌تواند پیشرو باشد. دلیلی ندارد که این ملت، ناامید باشد؛ اما آن‌ها می‌خواهند واقعیتها را تغییر دهند و ملت را ناامید کنند؛ می‌خواهند اعتماد ملت را به مسئولان ضعیف کنند. اینکه مردم به دولت و مسئولان‌شان اعتماد داشته باشند، برای يك کشور خیلی نعمت بزرگی است؛ می‌خواهند این نعمت را بگیرند و مردم را بی‌اعتماد کنند، هم به خودشان، هم به مسئولینشان؛ مردم را با شایعه، به تحریم و خشونت تهدید کنند؛ در تبلیغات، جای مدعی و متهم را عوض کنند. امروز آمریکا متهم است و ملت‌ها مدعی آمریکانند. ما امروز مدعی آمریکا هستیم. آمریکا متهم است به دست‌اندازی به استکبار، به مستعمره‌پروری، به جنگ‌طلبی، به اشغال نظامی، به فتنه‌انگیزی. ما طلبکاریم، ما مدعی هستیم. آن‌ها می‌خواهند خودشان را در جایگاه مدعی بگذارند و ملت ایران را در جایگاه متهم قرار دهند. در خود آمریکا وضع حقوق بشر اسفبار است و ناامنی وجود دارد. در يك سال- سال ۲۰۰۲- سیزده میلیون بازداشت شهروندان آمریکایی را خودشان گزارش کردند! مجوز شکنجه می‌دهند، مجوز شنود تلفن می‌دهند. بعد از حادثه‌ی بیست شهریور چند سال قبل، این‌ها چند میلیون نفر را بازجویی کردند. يك چنین فضای ناامن در داخل آمریکا؛ در خارج هم که زندان‌های ابو غریب و شکنجه‌ها و زندان گوانتانامو و زندان‌های مخفی‌ای که در اروپا و در نقاط دیگر دارند. آن‌ها باید جواب بدهند. آن‌ها متهمند، آن‌ها نقض حقوق بشر می‌کنند؛ آن وقت می‌شوند مدعی حقوق بشر، و ملت ایران را یا هرجا را که می‌لشانش بکشد، می‌خواهند به محاسبه بکشند که شما نقض حقوق بشر کرده‌اید! تروریسم را آن‌ها دارند ترویج می‌کنند. این کارها جنگ روانی است که آن‌ها دارند انجام می‌دهند.

بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۶/۰۲/۱۲

ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل بسیار مدرن و پیشرفته، امروز در بسیاری از کشورهای غربی و در راس آن‌ها در آمریکا مستقر و حاکم است. آنجا مردم به معنای انسان‌های صاحب اختیار و صاحب اراده، نقشی در بر سر کار آوردن حکومتها ندارند؛ پول است و زور صاحبان سرمایه و زرسالاران است که همه چیز را تعیین می‌کند و همه چیز را در مجرای دلخواه خود به حرکت می‌اندازد.

نظام جمهوری اسلامی، آن دموکراسی مبتنی بر میانی غلط غربی را رد می‌کند. مردم‌سالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهارچوب دین خدا و نه در چهارچوب سنت‌های جاهلی و خواسته‌های کمپانی‌های اقتصادی و اصول خودساخته‌ی نظامیان و جنگ‌سالاران است. در نظام جمهوری اسلامی، حرکت برخلاف آن‌هاست؛ حرکت در چهارچوب دین خداست و اراده‌ی مردم، تعیین‌کننده‌ی مطلق است.

امروز نظام‌های غربی و در راس آن‌ها آمریکا، همین دموکراسی بد تجربه‌شده و بد امتحان‌پس‌داده را می‌خواهند به‌زور به بعضی کشورها تحمیل کنند. دولت فلسطین را که از آرا مردم برخاسته، قبول نمی‌کنند؛ برای دولت عراق که از آرا مردم به معنای حقیقی کلمه، جوشیده و بر سر کار آمده، انواع مشکلات را درست می‌کنند؛ از کودتاهای نظامی و کودتاگران نظامی به شرطی که زیر فرمان آن‌ها باشند، کمال حمایت را می‌کنند، باز دم از مردم‌سالاری می‌زنند!

بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

شما جوانها در درجه‌ی اول به این نکته توجه داشته باشید که بنا به گفته‌ی امام سجاد (علیه‌السلام)، نیروی مسلح، دژ امنیت ملی است. این دژ، اگر قدرت‌مندانه- چه از لحاظ تجهیزات و چه از لحاظ روحیه- خود را سربلند و استوار بدارد، ملت احساس امنیت و آرامش خواهد کرد. بدون امنیت، هیچ لذتی در زندگی جوامع بشری حتی پیشرفته، وجود نخواهد داشت. امنیت ماهی آرامش روانی است و نیروهای مسلح اگر دلیرانه، فداکارانه، هوشمندانه و وظیفه و نقش خود را بدانند و در جایی که جایگاه واقعی آن‌هاست، خود را قرار دهند، می‌توانند این امنیت و این نیاز را تامین کنند. وجود نیروهای مسلح و مطالبه‌ی تقویت نیروهای مسلح در هیچ کشوری، فی نفسه به معنای جنگ‌طلبی نیست.

ما امروز با اقتدار ملت ایران در عرصه‌های جهانی اثبات کردیم که ملت ایران و ایران اسلامی هیچ تهدیدی برای کشورهای همسایه و دیگران نیست. به ما تهاجم شد، ما قدرت‌مندانه دفاع کردیم، اما هرگز فکر تجاوز، فکر حمله، فکر اشغال در ذهن ملت ایران و مسئولان کشور خطور نکرده است، لکن نیروهای مسلح باید نیرومند باشند. دنیا، دنیای تجاوزگری است؛ دنیای محکوم سیاست سلطه است. انگیزه‌ی سلطه‌طلبی در سلطه‌گران عالم، در نظام‌های مستکبر، به همه‌ی ملت‌ها هشدار می‌دهد که ساخت درونی خود و آمادگی‌های لازم را برای تقویت این ساخت به وجود بیاورند و تقویت کنند. بهانه‌های کوچک برای ابرقدرت‌ها، آنجایی که بتوانند و جرات بکنند، راه را به سوی تجاوزهای بزرگ هموار می‌کنند.

بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین / ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

وظیفه‌ی تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوری‌های ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه‌ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما يك راهکار کاملاً منطبق بر مردم‌سالاری است که می‌تواند منطق مشترک همه‌ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه‌ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در يك همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه‌ی فلسطینی‌هایی که سالها مشقت آوارگی را تحمل کرده‌اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند.

دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه‌ی پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم می‌زنند و این آزمون افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد.

آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه‌ی انتخابات کراهی باختری و غزه را که روی کارآمدن دولت حماس بود نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جایی می‌پذیرند که نتایج آن مطلوب آنان باشد، جنگ‌طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم می‌زنند جز دروغ و فریب نیست.

اکنون مسالهی بازسازی غزه یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین است، دولت حماس که منتخب اکثریت قاطع فلسطینیان است و حماسه‌ی مقاومتش در ناکام گذاشتن رژیم صهیونیستی، درخشان‌ترین نقطه در تاریخ صدساله‌ی اخیر فلسطین است، باید مرکز همه‌ی فعالیت‌های مربوط به بازسازی قرار گیرد. شایسته است که برادران مصری راه کم‌ها را باز کنند و بگذارند که کشورها و ملت‌های مسلمان به وظیفه‌ی خود در این مهم عمل کنند.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان / ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

سردمداران کشورهای مستکبر- چند تا دولت مستکبر- می‌نشینند در باره‌ی نظام جمهوری اسلامی اظهار نظر می‌کنند و این‌جور وانمود می‌کنند که جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است. کدام جامعه‌ی جهانی؟ کدام جامعه‌ی جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است؟ چهار تا، پنج تا دولت مستکبر- که غالباً ملت‌های خودشان هم حرف آن‌ها را قبول ندارند- با نظام اسلامی، با جمهوری اسلامی مخالفند. نظام‌هایی که در پنجه‌ی کمپانی‌دارهای صهیونیست است، توی مشت زالوهای بین‌المللی است، البته که با جمهوری اسلامی- که فریاد عدالت سر داده است- مخالفند؛ باید هم مخالف باشند. آن روزی که شبکه‌ی اختاپوسی سرمایه‌داری جهانی از ما تعریف کند و با ما مخالف نباشد، آن روز ما باید عزا بگیریم.

بله، چند تا دولت مستکبر و دولت زورگو با جمهوری اسلامی مخالفند؛ اما جامعه‌ی جهانی به‌هیچ‌وجه با جمهوری اسلامی مخالف نیست. جامعه‌ی جهانی، یعنی ملت‌ها. جامعه‌ی جهانی، یعنی بسیاری از دولتهایی که خودشان هم از این مستکبرین ناراضی‌اند؛ اگرچه اغلب جرات نمی‌کنند این ناراضی را اظهار کنند، اما ما می‌دانیم ناراضی‌اند. در گفتگوها، در اظهارات، کاملاً واضح است، به ما هم می‌گویند؛ ولی جرات نمی‌کنند اعتراض کنند، می‌ترسند. ما نمی‌ترسیم. ما همان حرفی را که در دل ماست- که می‌دانیم در دل ملت‌هاست و در دل بسیاری از دولتها هم هست- صریح می‌گوئیم. ما با استکبار مخالفیم، ما با نظام سلطه مخالفیم، ما با تسلط چند کشور بر سرنوشت عالم به‌شدت مخالفیم و با آن مبارزه می‌کنیم و نمی‌گذاریم این‌ها با سرنوشت دنیا بازی کنند. البته پیدا است؛ آن دولتها هم با ما مخالفند. آن وقت سر قضیه‌ی هسته‌ای بهانه‌گیری می‌کنند، به نام حقوق بشر بهانه‌گیری می‌کنند، به نام دموکراسی بهانه‌گیری می‌کنند؛ همه هم در دنیا می‌دانند که این‌ها دروغ می‌گویند، می‌دانند که این‌ها ریاکاری می‌کنند.

حالا باز مامورشان را فرستاده‌اند اینجا، اطراف خلیج فارس بگردند و باز همان دروغ‌ها و حرف‌های بی‌ربطشان را علیه جمهوری اسلامی تکرار کنند؛ ایران دنبال بمب هسته‌ای است؛ کی حرف شما را باور می‌کند؟ کی باور می‌کند که شما به منافع و مصالح ملت‌های این منطقه می‌اندیشید؟ شماتی که ملت‌های این منطقه را تا آنجا که توانستید و به شما اجازه داده شده است، در زیر پای منافع نامشروع خودتان لگدمال کردید. خلیج فارس را تبدیل کردید به انبار تسلیحات، این کارها را آمریکایی‌ها کردند. پول‌های کشورهای خلیج فارس را بمکنند و ببرند، به جایش تسلیحات خودشان را آنجا انبار کنند. شما جنگ‌طلبید، شما به عراق حمله کردید، شما افغانستان را نابود کردید، شما به جان پاکستان افتادید و هر جای دیگر هم که امکان پیدا کنید، همین جنایات را تکرار خواهید کرد. آن وقت می‌آئید راجع به جمهوری اسلامی حرف می‌زنید؟ همه‌ی ملت‌های منطقه می‌دانند، بسیاری از دولتهای این منطقه می‌دانند؛ جمهوری اسلامی طرف‌دار صلح است، طرف‌دار برادری است، طرف‌دار عزت کشورهای این منطقه است، طرف‌دار عزت کشورهای اسلامی است. راه افتادند مثل دوره‌گردها! حرکتشان هم از روی انفعال است. سی سال است که علیه جمهوری اسلامی دارند توطئه می‌کنند، و سی سال هم هست که دارند شکست می‌خورند. امسال برای چند دهمین بار جمهوری اسلامی در مبارزه‌ی خود در قبال مستکبرین پیروز شد و مستکبرین شکست خوردند.

بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی / ۱۳۸۹/۰۱/۲۳

دنیا هم دنیای زورگونی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه‌ی شهوت‌رانا و زورگوها بر اکثر مردم جهان است. در یک چنین دنیایی خیلی باید مراقب بود، خیلی باید هوشیارانه عمل کرد، مدیرانه عمل کرد، شجاعانه عمل کرد. می‌بینید رفتار این سران دنیا را؛ برای اطمینان خودشان، برای حرص خودشان، برای پشتیبانی و حمایت از کمپانی‌های مورد تأیید خودشان، برای کردن جیب‌های کمپانی‌داران و سرمایه‌داران بزرگ، می‌بینید چه فجایعی در دنیا دارد اتفاق می‌افتد؛ البته زیر نام نیک شعارهای توخالی و دروغین. جنگ‌طلبند، اسم صلح را می‌آورند و زیر تابلوی صلح می‌ایستند؛ برای انسانها و بشر هیچ حق و اعتباری قائل نیستند، زیر تابلوی حقوق بشر قرار می‌گیرند؛ اهل تجاوزند، تجاوز جزو سیاست‌های اصلی کارهایشان است، ادعای مقابله با تجاوز می‌کنند؛ در سیاست‌های خودشان، در رفتارهای خودشان، از همه‌ی شیوه‌های کثیف استفاده می‌کنند و بهره می‌گیرند؛ از ترور استفاده می‌کنند، سازمان‌های تروریست به وجود می‌آورند، شرکت‌های تروریست استخدام می‌کنند- که این‌ها چیزهای واضح امروز دنیا است- در عراق شما نمونه‌اش را ملاحظه می‌کنید، در افغانستان نمونه‌اش را ملاحظه می‌کنید؛ در آنجائاتی که کودتا راه انداخته‌اند، می‌بینید؛ تجاوزی که به کشورها شده، این‌ها را می‌بینید؛ در عین حال یک ظاهر آرام، اتوکشیده، ادکلن‌زده، با الفاظ مناسب، می‌آید در مقابل چشم مردم ظاهر می‌شود، به عنوان رئیس‌جمهور فلان کشور یا فلان کشور؛ با افکار عمومی مردم بازی می‌کنند، فریب می‌دهند؛ اصلاً مینای کار بر فریب‌کاری است. دنیا یک چنین دنیایی است؛ دنیای مبتنی بر دروغ، بر فریب، بر ظلم و زور نقابدار؛ اگرچه حالا گاهی هم نقابها برطرف می‌شود. گاهی اوقات غرور و اعتماد به پایه‌های پویشالی قدرتی که در اختیارشان هست، اختیار را از دستشان خارج می‌کند. دیدید دیگر؛ همین چند روز قبل از این، رئیس‌جمهور آمریکا تلویحاً تهدید به استفاده‌ی از سلاح اتمی کرد؛ این خیلی حرف عجیبی است؛ از این حرف اصلاً دنیا نباید بگذرد. در قرن بیست و یکم، قرن این همه دعوی صلح و حقوق بشر و تشکیلات جهانی و سازمانها و مبارزه‌ی با تروریسم و این‌ها، رئیس یک کشور بیاید آنجا بایستد و تهدید به حمله‌ی اتمی کند! این خیلی حرف عجیبی است در دنیا.

این به ضرر خودشان هم هست، نمی‌فهمند. معنای صریحش این است که دولت آمریکا یک دولت شریر و غیر قابل اعتماد است. این‌ها چند سال است دارند تلاش می‌کنند تا در قضیه‌ی هسته‌ای ما اثبات کنند جمهوری اسلامی غیر قابل اعتماد است؛ در حالی که جمهوری اسلامی در این سی سال، نه به هیچ کشوری حمله کرده، نه هیچ جا را ابتدائاً مورد تهاجم قرار داده، نه تروریست‌پروری کرده. آن‌ها می‌خواهند بگویند جمهوری اسلامی غیر قابل اعتماد است. خوب، در دنیا غیر قابل اعتماد کیست؟ آن‌هایی که هم بمب اتم دارند، هم حیا نمی‌کنند که بگویند ما ممکن است از این بمب اتم استفاده بکنیم یا استفاده خواهیم کرد. این خیلی حرف عجیبی است، این رسواکننده‌ی این‌هاست.

